



ویژگی‌های ایمان و مؤمنین در قرآن و سنت اکرم زمانی^۱

چکیده

موضوع این مقاله پیرامون «ویژگی‌های ایمان و مؤمنین در قرآن و سنت» است. در عصر حاضر، حرکت به سوی پیشرفت و تکنولوژی باعث شده که انسان‌ها به صورت ناخودآگاه از اصل و منبع خود دور شوند، و واژه‌ی دین و ایمان و اسلام، تنها، به شکل ظاهری و سطحی، آن هم به‌طور موقت، مورد استفاده‌ی افراد قرار گیرد، در حالی که باطن و محتوای دین هنوز به‌طور کامل بررسی نشده است.

در این پژوهش، تلاش شده تا اندازه‌ای حقیقت ایمان و ویژگی‌های مؤمنین و صفاتی که داشتن آن لازمه‌ی هر مسلمانی است، روشن شود. در ادامه، با بیان ماهیت ایمان، فرق آن با اسلام، رابطه‌اش با عمل، و مهم‌تر از آن، ارتباط مستحکمی که با ولایت (امامت) دارد، به تقسیم‌بندی فصول پرداخته و به پاره‌ای از ویژگی‌های انسان مؤمن از دو بُعد فردی و اجتماعی اشاره شده است.

۱- دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی نفیسه اصفهان.



در این پژوهش، از کتب روایی، مانند: اصول کافی، کنز العمال، غررالحکم، نهج البلاغه و ... از کتب اخلاقی، مانند: صفات و علامات متقین در خطبه‌ی حضرت امیرالمؤمنین، قطره‌ای از دریا، جلوه‌های لاهوتی و ... و نیز از کتب تفسیری، همچون تفسیر نمونه استفاده شده است.

روش تحقیق در این جا، اسنادی و مدارکی (دینی)، ماهیت آن، نقلی و توصیفی، و روش جمع‌آوری آن کتابخانه‌ای می‌باشد. لازم به ذکر است در قسمت‌هایی از تحقیق، برای بیان هرچه بهتر مطلب، از اظهار نظرهای شخصی نیز استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی

الامن، مؤمن، مؤمنین.

مقدمه

حمد و سپاس مخصوص خداست؛ به اندازه‌ی تمام حمد و سپاسی که مقرب‌ترین فرشتگان و بهترین خلایق و پسندیده‌ترین ستایشگران نزد او انجام می‌دهند.^۱

ایمان، یعنی اعتقاد قلبی به خدا و تصدیق فرشتگان. ایمان، تنها ادعا و شعار نیست، که هرکس بتواند از عهده‌ی آن برآید، بلکه معرفت قلبی و شناخت تعهدآور، شرط اول آن است. ایمان، یعنی این که آدمی بتواند تمام بت‌های جاندار و بی‌جان را از سریر دل به زیر کشیده، خدای یکتا

۱- مطرف راشدی، سعید، صحیفه کامله سجّادیه، ص ۲۹.



را باور آورد و فضای جان خویش را تنها به حضرت جانان بسپرد و بر پایه‌ی چنین اساسی، قول و فعل خویش را سامان دهی نماید، بر پایه‌ی چنین اعتقادی سخن بگوید، و به تناسب این اعتقاد و ادعاهل عمل باشد و از خود فریبی و ادعای ایمان بی‌بنیان پرهیز کند.

فهم این معنی برای اهل نظر روشن است، لیکن بیان تفصیلی آن، همگان را از اشتباه در می‌آورد و راه راست ایمان و خداپرستی را از تاریکی‌ها و و کدورت‌های اوهام و برداشت‌های ناروا روشن می‌کند.^۱ لذا امیرالمؤمنین در پاسخ کسی که از او سؤال کرد: ایمان چیست؟ چنین بیان داشتند:

«الایمان معرفة بالقلب و اقراراً باللسان و عملٌ بالأركان»؛ ایمان دارای سه پایه است. یکی از آن‌ها شناخت و اعتقاد قلبی و واقعی به دین اسلام است؛ دوم، اظهار مسلمان بودن به وسیله‌ی زبان؛ و سوم، عمل کردن به دستورات دینی.

اهمیت این موضوع را به خوبی می‌توان در آیات قرآن و هم چنین توصیه‌ها و تأکیدهای فراوان پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده کرد. همه‌ی این دستورات پلی خواهد بود برای رسیدن به جامعه‌ی فاضله؛ جامعه‌ای که در ابتدا افراد آن از نور ایمان بهره‌مند شوند و سپس جامعه‌ی جهانی را برای پذیرایی از دستورات آخرین کتاب آسمانی، توسط تنها منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) آماده کنند.

۱- موسوی، علی اصغر، قطره‌ای از دریا، ج ۲، ص ۱۲۰.

ماهیت ایمان

ایمان، اعتقاد به وجود خداوند و حقیقت رسولان و دین، و یقین به درستی اندیشه یا امری است.^۱

﴿... وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلِيمَانٌ وَزَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ...﴾^۲

«ولیکن خدا به لطف خود مقام ایمان را محبوب شما گردانید و در دل‌ها نیکویی را بیاراست و کفر و فسق معصیت را زشت و در نظرتان منفور ساخت...»

و این خداوند است که ایمان به خدا و تصدیق و باور اندیشه‌های و حیانی را برای اهل ایمان محبوب و دوست داشتنی قرار می‌دهد، و خانه‌ی دل مؤمنان را به نور ایمان زینت می‌بخشد، و در پرتو چنین توفیقی، کفر و شرک و فساد و تباهی‌گری را مکروه و ناپسند قرار می‌دهد. با استفاده از این آیه‌ی کریمه، ایمان، شوینده‌ی کدورت کفر و شرک و فساد و گناه از آینه‌ی دل مؤمن است.^۳

با توجه به مطالب فوق، در این فصل سعی بر آن شده که به ماهیت ایمان، چیستی و حقیقت آن در ابعاد گوناگون پرداخته شود.

حقیقت ایمان

ایمان از موضوعاتی است که از جهات مختلفی مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. از نگاه دینی،

۱- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۶۹۱۱.

۲- حجرات / ۷.

۳- موسوی، علی اصغر، قطره‌ای از دریا، ج ۲، ص ۱۷۷.



ایمان ترجمان باور معنوی و اعتقاد قلبی انسان مؤمن به لوازم ایمان است.^۱

ایمان، تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. قرآن مجید، ایمان به معنی اعتقاد را تأیید نمی‌کند، بلکه بهترین معنای آن همان تسلیم است؛ زیرا می‌بینیم آنان را که اعتقاد دارند، ولی تسلیم عقیده‌ی خویش نیستند، کافر می‌شمارد.^۲ نمونه‌هایی از این مطلب را در سرگذشت پیشینیان مشاهده می‌کنیم.

در قرآن، درباه‌ی فرعون و قوم او آمده است:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾^۳

«با آن که پیش نفس خود به یقین دانستند [معجزه‌ی خداست]، باز از کبر و نخوت و ستمگری، انکار آن کردند. بنگر تا عاقبت آن مردم ستمکار فاسد به کجا انجامید.»

شیطان به خدا عقیده داشت، می‌گفت: ﴿...خُلِقْتِي مِن نَّارٍ...﴾^۴ و ﴿...رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي...﴾^۵ او خدا را خالق خود می‌دانست و او را «رَبِّ» خطاب می‌کرد، به معاد نیز عقیده داشت، لذا می‌گفت: «تا روز قیامت مهلتم ده»: ﴿قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۶. هم چنین به پیامبران معتقد بود و می‌دانست به بندگان مخلص راهی ندارد

۱- همان، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱-۲، ص ۱۲۴.

۳- نمل / ۱۴.

۴- اعراف / ۱۲.

۵- حجر / ۳۹.

۶- اعراف / ۱۴.



و نمی تواند آنها را بفریبد: ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾^۱.
با این همه، خداوند درباره اش فرمود: ﴿...أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ
الْكَافِرِينَ﴾^۲.

پس ایمان به معنی اعتقاد و تصدیق نیست و گرنه
می بایست این اشخاص مؤمن باشند. ایمان، به معنی تسلیم است و مؤمن
کسی است که به حق تسلیم باشد و تسلیم با عمل توأم است و بدون آن
مصدق ندارد.^۳

تعریف ایمان

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «الایمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل
بالأركان»؛ ایمان شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان
است.

از این روایت چنین استفاده می شود که ایمان دل، زمانی ارزش
دارد که با انکار زبان مواجه نشود، و هم چنین، ایمان دل، زمانی
ارزنده است که با طغیان و سرکشی در عمل مواجه نگردد. اگر
دل بود، زبان هم معترف باشد و بدن هم انجام وظیفه کند.
مجموع این سه امر، ایمان است. این مطلب در کتب روایی و
قرآن نیز آمده است؛^۴ به این معنی که هر کس می خواهد
ایمان، به معنای تعالیم قرآن داشته باشد، باید در دل مؤمن و به

۱- حجر/۴۰.

۲- بقره: ۳۴.

۳- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱-۲، ص ۱۲۵.

۴- فلسفی، محمدتقی، شرح تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۵.



زبان مقرب باشد و در مقام عمل هم وظایف لازم را انجام دهد.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...﴾^۱.

«گروهی از بادیه‌نشینان گفتند که ما ایمان آورده‌ایم. ای پیامبر! به آن‌ها بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویید اسلام آورده‌ایم، و هنوز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده است...»

ایمان و اسلام

«اسلام»، شکل ظاهری و قانونی دارد و هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند، در مسلک مسلمانان وارد و احکام اسلام بر او جاری می‌شود، ولی ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن، قلب آدمی است، نه زبان و ظاهر او.^۲

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «الایمان ما کان فی قلب، و الاسلام ما علیهِ التناکح و التوراث و حقیقت به الدماء، و الایمان یشرک الاسلام لا یشرک الایمان»^۳؛ «ایمان آن است که در قلب باشد و اسلام آن است که ازدواج و ارث‌بری وابسته بدان است و خون‌ها با آن محفوظ می‌ماند. ایمان همیشه با اسلام شریک است، اما اسلام همیشه همراه و شریک ایمان نیست.»^۴

۱- حجرات/ ۱۴.

۲- محمدی، حمید، مفردات قرآن، ص ۱۴۶.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۷.

۴- محمدی ری شهری، محمد، میزان‌الحکمة، ج ۱، ص ۳۵۹.



امام علی عَلِيٌّ می فرماید: «قال لي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يا علي! اكتب! فقلت ما اكتب؟ فقال: اكتب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الْاِیْمَانِ مَا وَقَّرَ فِی الْقُلُوبِ وَصَدَقَتْهُ الْاَعْمَالِ، وَ الْاِسْلَامِ مَا جَرَى عَلَی اللِّسَانِ وَ حَلَّتْ بِه الْمُنَاكِحَةُ»^۱ «پیامبر خدا به من فرمود: علی! بنویس. عرض کردم: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اِیْمَانِ اَنْ اَسْتِ كِه دَر دِلْهَا جَاي گِیْرَد وَ دَرَسْتِي اَنْ بَا عَمَلِ ثَابِت شُود وَ اِسْلَامِ اَنْ اَسْتِ كِه بَر زَبَانِ گَزْرَد وَ بَا اَنْ پِیُوند زَنَاشُوی حَلَالِ گَرَدَد.»^۲

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد حقیقت ایمان می فرماید: «اِنْ لِكُلِّ شَیْءٍ حَقِیْقَةٌ، وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِیْقَةَ الْاِیْمَانِ حَتّٰی یَعْلَمُ اَنْ مَا اَصَابَهُ لَمْ یَكُنْ لِیْخْطِئُهُ وَ مَا اَخْطَاہُ لَمْ یَكُنْ لِیُصِیْبُهُ»^۳ «هر چیزی حقیقتی دارد. هیچ بنده‌ای به حقیقت نرسد مگر آن که بداند آنچه به او رسیده نمی توانست نرسد، و آنچه به او نرسیده نمی توانست برسد.»^۴

ایمان و عمل صالح

در آیات زیادی، دنبال کلمه‌ی «أَمَنُوا»، عمل صالح اضافه شده است. بر این اساس، درباره‌ی ایمان و عمل صالح، چند نکته را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰۸.

۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳- هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵.

۴- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۶۳.





۱. با اشاره به آنچه گفته شد، ایمان، یک ایده و حالت درونی است که تا آثار آن در اعمال و رفتار آشکار نگردد، چندان کارایی ندارد. به همین جهت، در قرآن کریم هر جا سخن از ایمان به میان آمده، دنبال آن عمل صالح مطرح گردیده است.

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «الایمانُ قَرْنیانُ لایصلِحُ کُلُّ واحدٍ مِنْها الا مَعَ صاحِبِهِ»؛ «ایمان و عمل قرین یکدیگرند و هیچ یک از آن‌ها بدون دیگری نیست.»^۱

۲. ایمان توأم با عمل صالح، در زندگی فردی و اجتماعی، دارای آن چنان نقش تعیین کننده و سرنوشت‌سازی است که خداوند در ۱۰۲ جای قرآن کریم آن را مطرح نموده است، از آن جمله **﴿وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾**^۲.

۳. دامنه‌ی عمل صالح به قدری وسیع است که ممکن است همه‌ی انواع اعمال و رفتارهای مثبت و سازنده‌ی علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... را در برگیرد. از مجموع آیات قرآنی که در این باره آمده است، می‌توان عمده‌ترین ویژگی‌های «عمل صالح» را این گونه استخراج و بیان نمود:

الف: در قدم اول، آن عمل انگیزه‌ی خدایی داشته و انسان به منظور اطاعت خدا آن را انجام دهد.

۱- صادقی، احمد، زیبایی‌های بهشت، صص ۶۹-۷۰.

۲- عصر / ۱-۳.



ب: نفع و نتیجه‌ی عمل، در جهت رفاه و رشد بندگان خدا نمودار گردد.

ج: نفس عمل را جوان‌های پاک و انسان‌های صالح، «عمل شایسته و مطلوب» بدانند.

د: عمل، پویایی، گستردگی و استمرار داشته باشد.

درباره‌ی عمل صالح، یعنی عمل مطلوب و مفید و مثبت و سازنده‌ی مادی و معنوی، این نکته‌ی بسیار مهم را نیز باید بدانیم، نه تنها پاداش عمل صالح در آخرت و بهشت عاید انسان می‌گردد، بلکه در دنیا هم شامل حالش می‌شود.^۱

همان‌طور که قرآن کریم، خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ»^۲ «هر کس کار نیکی کند بر نفع خود، و هر که بد کند بر ضرر خویش کرده است؛ خدا، هیچ بر بندگان ستم نخواهد کرد.»

ایمان و ولایت

اثبات و اعتقاد به ارتباط وجودی موجودات و انسان به عالم غیب و این که خلقت بدون هدف واقعی نبوده و راه رسیدن به آن هدف را فقط مبدأ جهان و انسان باید نشان دهد (با دلایل عقلی)، تسلیم شدن در برابر خداوند و تمام شؤون ربوبی او و نیز تسلیم شدن در مقابل وسایط فیض و مظاهر صفاتش را می‌طلبند. این دو، از

۱- صادقی، احمد، زیبایی‌های بهشت، ص ۷۰.

۲- فصلت / ۴۶.

یکدیگر قابل انفکاک نیستند و کسی که به ربوبیت خداوند اقرار و اعتقاد دارد، باید به مظاهر ربوبیت تشریحی او نیز اقرار و اعتقاد داشته باشد. در غیر این صورت، به تعبیر قرآن کریم، از کفار محسوب گردیده و مستحق عذاب و حرمان الهی است:^۱

﴿...إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ... وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾؛ «به راستی، کسانی که به خداوند و پیامبرانش کافرند و می‌خواهند بین خداوند با پیامبرانش جدایی افکنند و می‌گویند: به بعضی (خداوند) ایمان می‌آوریم و به بعضی دیگر (پیامبرانش) کفر می‌ورزیم و (با این عملشان) می‌خواهند راهی دیگر را انتخاب کنند، آنان کافران حقیقی هستند. و برای کافران، عذابی سخت دردناک مهیا ساخته‌ایم.»

بنابراین، راه دیگری وجود ندارد. کسانی که به ربوبیت خداوند شهادت داده و اقرار نموده‌اند، پیامبران و اوصیای آنان را نیز قبول کرده‌اند. در غیر این صورت، ایمانشان به خداوند نیز متزلزل است. به جهت این پیوند عمیق، پیامبران نیز باید به خود به عنوان مظهر ربوبیت الهی ایمان آورده و به آن اقرار نمایند: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...﴾؛^۲ «پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان دارد.»



۱- تحریری، محمدباقر، جلوه‌های لاموتی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲- بقره / ۲۸۵.



گذشته از این، در روایاتی که درباره‌ی ارکان اسلام آمده است، ولایت به صورت برجسته مطرح شده است و هیچ امری قابل مقایسه با آن شمرده نشده است.^۱ امام محمد باقر علیه السلام فرمود «اسلام روی پنج پایه‌ی نماز و زکات و روزه و حج و ولایت است، و چنان که برای ولایت (در روز غدیر خم یا در عالم میثاق) فریاد زده شد، برای هیچ چیز دیگر فریاد زده نشد»؛^۲ زیرا ولایت است که تمامی زوایای زندگی انسان را به عالم ربوبی و غیب پیوند می‌دهد و بدون آن، اسلام محض و تسلیم واقعی در وجود آدمی تحقق نخواهد یافت.^۳

قابل ذکر است که در قسمتی از دعای جامع‌ی کبیره این چنین آمده است: «السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة... و ابواب الایمان...»^۴ و در قسمتی از دعای ندبه می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «... أَنَا مَدِیْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِیُّ بِأَبْهَائِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِیْنَةَ وَ الْحِکْمَةَ فَلِیَاتِهَا مِنْ أَبْهَائِهَا...»^۵ «... من شهر علمم و علی دروازه‌ی آن. هر که اراده‌ی ورود به این شهر و حکمت را دارد، پس از درش در آید...».

پس ایمان دره‌ایی دارد که ورود به آن، تنها از این طریق پذیرفته است و آن حضرات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام می‌باشند و هر

۱- تحریری، محمد باقر، جلوه‌های لاهوتی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲- کلینی رازی، محمد، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹.

۳- تحریری، محمد باقر، جلوه‌های لاهوتی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۴- قمی، عباس، منتخب مفاتیح الجنان، دعای جامع‌ی کبیره، صص ۳۰۶-۳۰۷.

۵- همان، دعای ندبه، ص ۱۲۲.

در دیگری باید به این درهای مقدّس منتهی گردد، و هرکسی هر عبادتی را به جا آورد، در صورتی که از طریق این خاندان نباشد، آثار ایمان که قبولی آن و ترفیع مقام و عبادت کننده... باشد بر آن مترتب نخواهد شد.^۱

بنابراین، مؤمن، یعنی شیعه‌ی اثنی عشری. پس اگر کسی چنین اعتقادی (ولایت) را دارا بود و اقرار نمود، او مؤمن است.^۲

ویژگی‌های فردی مؤمنین

در ابتدای سوره‌ی مؤمنون می‌خوانیم، ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾؛ یعنی: «مؤمنان رستگار شدند.» و این نشان دهنده‌ی سرنوشت لذّت بخش و پرافتخار مؤمنان است. در حقیقت، افراد پیروزمند، موانع را از سر راه برمی‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند. البته، رستگاری، معنای وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود و هم معنوی را، و در مورد مؤمنان، هر دو بُعد منظور است.

پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان، آزاد، سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند. و این امور، جز در سایه‌ی ایمان امکان‌پذیر نیست. رستگاری آخرت نیز در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان،



۱- تحریری، محمّد باقر، جلوه‌های لاهوتی، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲- حاجیان‌دشتی، عباس، صفات و علامات متقین، ج ۲، ص ۲۲۹.



در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر
بَرَد.^۱

برای رسیدن به این سعادت و کامیابی لازم است که انسان مؤمن،
دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی باشد که مسیر منتهی شونده به
رستگاری را به سلامت طی کند.

در آیات زیادی، ویژگی‌ها و صفات مؤمنین راستین و حقیقی
تحت عناوینی همچون: پرهیزگاران، عبادالرحمان، متوکلان،
انسان‌های شایسته و اولوالالباب، در عباراتی کوتاه بیان شده
است.

در این قسمت سعی شده به ویژگی‌های مؤمنان از بُعد فردی و
نیز از بُعد اجتماعی اشاره شود. هم‌چنین در روایاتی از پیامبر اکرم و
ائمّه‌ی معصومین علیهم‌السلام، به بیان ویژگی‌های انسان مؤمن پرداخته شده
است.

۱- ارتباط با خدا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پرهیزگاران برپا داشتن نماز
است.

نمازی که رمز ارتباط با خداست، مؤمنانی را که به جهان
ماورای طبیعت راه یافته‌اند در یک رابطه‌ی دایمی و همیشگی با آن
مبدأ بزرگ آفرینش نگه می‌دارد. آنها تنها در برابر خدا سر تعظیم
خم می‌کنند، و تنها تسلیم آفریننده‌ی بزرگ جهان هستی هستند،
و به همین دلیل، دیگر خضوع در برابر بت‌ها، و یا تسلیم شدن

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۲۱۲-۲۱۳.

در برابر جباران و ستمگران، در برنامه‌ی آنها وجود نخواهد داشت.

چنین انسانی، احساس می‌کند از تمام مخلوقات دیگر فراتر رفته، و ارزش آن را پیدا کرده که با خدا سخن بگوید، و این بزرگ‌ترین عامل تربیت اوست.^۱

در پاره‌ای از آیات قرآن، آن جایی که صحبت از نماز مؤمنین شده، خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^۲؛ یعنی: «و آنها (مؤمنون) بر نمازشان مواظبت می‌نمایند.» و در آیه‌ی دوم از سوره‌ی مؤمنون می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾؛ یعنی: «آنها که در نمازشان خشوع دارند.» در این جا، خشوع در نماز و مواظبت بر نماز را یکی از صفات مؤمن بر شمرده است. «خاشعون»، از ماده‌ی «خشوع»، به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود، و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

در این جا، قرآن «اقامه‌ی صلوة» (خواندن نماز) را نشانه‌ی مؤمنان نمی‌شمارد، بلکه خشوع و نماز را از ویژگی‌های آنان می‌شمارد. این نکته اشاره به این است که نماز آنها الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فاقد معنی نیست، بلکه به هنگام نماز آنچنان توجهی به پروردگار در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند؛ چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می‌شوند که بر تمام



۱- همان، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۵.

۲- مؤمنون / ۹.



ذرات وجودشان اثر می‌گذارد؛ خود را ذره‌ای می‌بینند در برابر وجودی بی‌پایان، قطره‌ای در برابر اقیانوسی بی‌کران.^۱

اما در مورد محافظت بر نماز می‌توان بیان داشت که سخن از حفظ آداب، شرایط، ارکان و خصوصیات آن است؛ آدابی که هم ظاهر نماز را از آن‌چه مایه‌ی فساد است حفظ می‌کند، هم روح نماز را که حضور قلب است، تقویت می‌نمایند، و هم موانع اخلاقی را که سدّ راه قبول آن است از بین می‌برد. بنابراین، هرگز تکرار محسوب نمی‌شود.^۲

۲- خوف از خدا

یکی دیگر از صفات مؤمنان خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی است:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾^۳

«و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! عذاب جهنّم را از ما بر طرف گردان، که عذابش سخت و پردوام است.»

۳- توکل به خدا

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ، حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ»؛ «ایمان بنده‌ای درست نباشد، جز آن که اعتماد او به آن‌چه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست.»^۴

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۲۱۲-۲۱۳.

۲- همان: ج ۲۵، ص ۴۷.

۳- فرقان / ۶۵.

۴- دشتی، محمد، ترجمه‌ی نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰.

ایمان صادقانه‌ی انسان، اولاً به میزان باور، و ثانیاً به کمال آن بستگی دارد، و هر اندازه میزان ایمان آدمی بالاتر رود و به رشد و بالندگی بیشتری نایل آید، ارزش صداقت و خلوص آن بالاتر می‌رود.

آن چنان که به تناسب عمق اخلاص، ایمان آدمی نیز تقویت می‌شود. از نشانه‌های این تعالی، امید شایسته به خداوند و توکل به قدرت نامتناهی حضرت حق است تا جایی که شایسته است مؤمن داشته‌های خویش را پرتوی از لطف و عنایت خداوندی بداند.

یکی از ویژگی‌های مؤمنین که جنبه‌ی روحانی، معنوی و باطنی دارد، توکل است. در آیه‌ی ۲ از سوره‌ی انفال می‌خوانیم: ﴿... وَاعْلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾؛ یعنی: «تنها بر پروردگار خویش توکل و تکیه کنند.» آنان افق فکرشان آن چنان بلند است که از تکیه کردن بر مخلوقات ضعیف و ناتوان، هر قدر به ظاهر عظمت داشته باشند، ابا دارند. آنها، تنها از خدا روزی می‌طلبند و تکیه‌گاهشان تنها خداست.^۱

۴- هدف مثبت در زندگی (دوری از لغو و بیهودگی)

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾؛^۲ «مؤمنین [از لغو و بیهودگی روی گردانند].»

چهارمین صفتی که می‌توان برای مؤمنان بیان کرد، دوری از لغو و بیهودگی است. در واقع، تمام حرکات و خطوط زندگی مؤمنان



۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۲- مؤمنون / ۳.



هدفی را دنبال می‌کند؛ هدفی مفید و سازنده؛ چراکه لغو به معنی کارهای بی‌هدف و بدون نتیجه‌ی مفید است. البته لغو را مفسران بزرگ به معانی مختلفی تعبیر کرده‌اند. بعضی به باطل تفسیر کرده‌اند، بعضی به همه‌ی معاصی، بعضی به دروغ، بعضی به دشنام یا مقابله‌ی دشنام به دشنام، و بعضی به معانی غنا و لهو و لعب.^۱

مؤمنان، نه تنها خود را از لغو و بیهودگی مصون می‌دارند، بلکه زمانی هم که با آن مواجه می‌شوند بزرگوارانه از کنار آن می‌گذرند:

﴿... وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^۲ «... و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.»

در حقیقت، آنها، نه در مجلس باطل حضور پیدا می‌کنند و نه آلوده‌ی لغو و بیهودگی می‌شوند. و اگر این‌گونه کارها در مسیر زندگی آنان قرار گیرد، چنان از کنار آن می‌گذرند که بی‌اعتنایی آنها خود دلیل عدم رضای باطنیشان به این اعمال است، و آنچنان بزرگوارند که هرگز محیط‌های آلوده در آنان اثر نمی‌گذارد و رنگ نمی‌پذیرند.^۳

۵- صبر در برابر مشکلات

یکی دیگر از خصوصیات که نه تنها پیامبران و ائمه به حد کمال از آن دارا بودند، بلکه در آیات قرآن اشاره‌ی ویژه‌ای به آن

۱- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۲- فرقان / ۷۲.

۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۸۷.



شده است، صبر در مقابل سختی‌ها و مشکلات است. فراموش نشود که صبر، نه تنها در برابر طاعت، معصیت و مصیبت لازم است، بلکه در برابر نعمت نیز باید صبر کرد؛ یعنی در برابر نعمت به گونه‌ای باید عمل کرد که انسان را به غرور و مستی و بی‌بند و باری نکشاند. خداوند در قرآن، در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی رعد می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ...﴾؛ «و آنها به خاطر ذات پاک پروردگارشان شکیبایی می‌کنند...».

«وَجْهِ رَبِّ» در این جا، به معنی «رضایت و خشنودی پروردگار» است؛ یعنی آنها به خاطر جلب رضای حق، در برابر همه‌ی مشکلات صبر و استقامت به خرج می‌دهند.^۱

ویژگی‌های اجتماعی مؤمنین

همه‌ی ما نیاز داریم تا صفات و خصوصیات را که یک انسان مؤمن باید دارا باشد، شناسایی و آنها را در خود محقق نماییم. در قرآن، نهج‌البلاغه و کتاب‌های روایی، به این صفات اشاره شده است. سعی بر این است که در این قسمت از بُعد اجتماعی، صفات یک مؤمن را بررسی کنیم.

۱- احساس مسؤلیت

یکی از خصوصیات انسان مؤمن این است که نسبت به دین، خودش، پدر و مادر و بستگانش، همه‌ی انسان‌ها، حیوانات،

۱- همان، ج ۱۰، صص ۲۲۲-۲۲۳.



درختان، ساختمان‌ها، آب و هوا و دیگر چیزها، احساس مسؤولیت می‌کند؛ یعنی در مقابل هیچ کدام از آنها بی تفاوت نیست.^۱

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ»^۲ «از خداوند نسبت به بندگان و سرزمین‌های او بترسید؛ زیرا شما حتی نسبت به خانه‌ها و حیوانات هم مسؤولید.»

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «المؤمن من آمنه الناسُ على دمائهم و أموالهم»؛ مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند.^۳

منظور از روایت این است که مؤمن آن چنان در مقابل جان و مال مردم خود را مسؤول بداند که مردم او را همچون یک فرد امین و درستکار بدانند.

۲- انفاق

در آیات زیادی، به همراه ویژگی‌های مؤمنین راستین، انفاق و زکات از آنچه خداوند روزی‌شان کرده است یادآوری شده است:

﴿... وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً...﴾^۴ «و از آن چه به آنها روزی دادیم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند...»

۱- قلی‌پور گیلانی، مسلم، کوثر کلام (۲)، ص ۴۴.

۲- دشتی، محمد، ترجمه‌ی نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۷، ص ۲۲۸.

۳- هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴- رعد/ ۲۲.

توجّه به جمله‌ی ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾، که هرگونه موهبتی از مال، علم، قدرت، موقعیت، نفوذ اجتماعی و غیر آن را شامل می‌شود، لازم است؛ چراکه انفاق، نباید یک بُعدی باشد، بلکه باید در تمام ابعاد و همه‌ی مواهب انجام گیرد.

تعبیر ﴿سِرّاً وَ عَلَانِيَةً﴾ (پنهان و آشکار)، اشاره‌ی دیگری به این واقعیت است که آنها در انفاق‌های خود، به کیفیت‌های آن نیز نظر دارند؛ چراکه گاهی اگر انفاق پنهانی صورت گیرد، بسیار مؤثرتر است، و این در مواردی است که حفظ حیثیت طرف، چنین ایجاب کند؛^۱ زیرا حفظ آبروی مؤمن واجب است؛ چنان‌که در روایت است از رسول خدا ﷺ که: «الْمُؤْمِنُ أَحْوَجُ الْمُؤْمِنِ...»^۲ «مؤمن برادر مؤمن است» و برادر، هیچ‌گاه علیه برادر خود کاری که باعث ناراحتی او شود، انجام نمی‌دهد.

البته گاهی اگر انفاق آشکارا صورت گیرد، اثرش وسیع‌تر خواهد بود. و این، در مواردی است که باعث تشویق دیگران به این کار خیر و تأسی و اقتدا به او شود، و یک عمل خیر او سبب ده‌ها یا صدها یا هزاران کار خیر مشابه گردد.^۳ در فرمایش حضرت محمد ﷺ به حضرت علی علیه السلام آمده است که: «مؤمن کسی است که در پرداخت زکات (انفاق) شتابان باشد.»^۴

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۵.

۲- هندی، حسام الدین، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۵.

۴- کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱۳، ص ۳۲۸.



۳- پاکدامنی

سومین ویژگی مؤمنان، پاکدامنی و رعایت عفت و پرهیز از هرگونه آلودگی جنسی است؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوِجُهُمْ حَافِظُونَ﴾؛ یعنی: «و آنها دامن خود را [از آلوده شدن به بی‌عفتی] حفظ می‌کنند.»^۱

بدون شک، غریزه‌ی جنسی از غرایز سرکش انسان و سرچشمه‌ی بسیاری از گناهان است، تا آن جا که بعضی معتقدند در تمام پرونده‌های مهم جنایی، اثری از این غریزه دیده می‌شود. لذا کنترل و حفظ حدود آن از نشانه‌های مهم تقواست، و به همین دلیل، بعد از ذکر نماز، کمک به نیازمندان، ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب الهی، کنترل این غریزه ذکر شده است.

۴- تواضع و فروتنی

یکی از صفات بسیار مهم و نمایان مؤمن، تواضع و فروتنی اوست. در قرآن آمده است: ﴿...الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾؛ یعنی: «آنها کسانی هستند که بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند...»

منظور از صفت تواضع این است که انسان مؤمن، هیچ وقت، خود را بالاتر از دیگران نمی‌داند، و لذا همیشه در رفتار و گفتارش احترام دیگران را رعایت می‌کند و در برخورد با مردم، آنها را تعظیم می‌کند.^۲



۱- معارج / ۲۹.

۲- قلی‌پور، مسلم، کوثر کلام (۲)، ص ۴۶.

نخستین نشانه‌ی بندگی مؤمنان، تواضع و فروتنی است؛ تواضعی که در تمام ذرات وجود آنان نفوذ کرده و حتی در راه رفتن آن‌ها آشکار است. تواضع، کلید ایمان است، در حالی که غرور و کبر، کلید کفر محسوب می‌شود.^۱

در سوره‌ی مَبَاکَه‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۸ آمده است: «صورتت را از روی تکبر برای مردم کج مکن و در زمین با شادمانی گام نزن؛ زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست نمی‌دارد.»

به نظر می‌رسد که علت انتخاب این نوع از تواضع آن باشد که غالباً افرادی که متواضع نیستند در وقت راه رفتن، تکبر آن‌ها بیشتر نمایان می‌گردد.^۲

۵- فرو بردن خشم

توصیف دیگری که از مؤمنین شده است و جنبه‌ی پاک‌سازی دارد، تسلط بر نفس به هنگام خشم و غضب است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾^۳ «آنها کسانی هستند که به هنگام غضب عفو می‌کنند.»

نه تنها در موقع خشم، زمام اختیار از کفشان ربوده نمی‌شود و دست به اعمال زشت و جنایات نمی‌زنند، بلکه با آب عفو و غفران، قلب خود و دیگران را از کینه‌ها شستشو می‌دهند. و این صفتی است که جز در پرتو ایمان راستین و توکل بر حق، پیدا نمی‌شود. جالب

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲- حاجیان دشتی، عباس، صفات و علامات متقین، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳- شوری / ۳۷.



این که نمی گوید: «آنها غضب نمی کنند»؛ چرا که این جزء طبیعت انسان است و در بعضی موارد، یعنی در آنجا که برای خدا و در راه احقاق حق مظلومان باشد، ضرورت دارد،^۱ بلکه می گوید: بعد از این که خشم خود را فرو بردند، از اشتباه آنها می گذرند: ﴿... وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ...﴾.^۲

فرو بردن خشم، بسیار خوب است، اما به تنهایی کافی نیست؛ زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه کن نکند. در این حال، برای پایان دادن به حالت عداوت، چنانچه فرو بردن خشم توأم با عفو و بخشش باشد بسیار نیکو خواهد بود.^۳

در مرحله ی بعد خداوند می فرماید: ﴿... وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ...﴾؛ «خدا نیکوکاران را دوست دارد...».

در این جا، به مرحله ی عالی تری از عفو اشاره شده که همچون یک سلسله مراتب تکاملی پشت سر هم قرار گرفته اند. انسان، نه تنها باید خشم خود را فرو برد و با عفو و گذشت کینه را از دل خود بشوید، بلکه با نیکوی کردن در برابر بدی، ریشه ی دشمنی را در دل طرف نیز بسوزاند و قلب او را نسبت به خویش مهربان گرداند، به طوری که در آینده چنان صحنه ای تکرار نشود.^۴

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۸۵.

۲- آل عمران/ ۱۳۴.

۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۳۱.

۴- همان، ج ۲۳، صص ۱۳۱-۱۳۲.

۶- وفای به عهد و پیمان

یکی از مهم‌ترین صفات مؤمنان، پایبند بودن به عهد و پیمان‌هایی است که بسته‌اند. در قرآن آمده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾؛ یعنی: «و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.»

امانت معنای وسیعی دارد، هم شامل عهدهای فطری و پیمان‌هایی می‌شود که خدا به مقتضیات فطری از انسان گرفته، همانند فطرت توحید و عشق به حق و عدالت، و هم پیمان‌های عقلی، یعنی آنچه را که انسان با نیروی تفکر و اندیشه و عقل، از حقایق عالم هستی و مبدأ و معاد درک می‌کند. او هم به پیمان‌های شرعی، یعنی پیمان‌هایی که پیامبر ﷺ از مؤمنان در رابطه با اطاعت فرمان‌های خداوند و ترک معصیت و گناه گرفته، وفا می‌کند، و هم به پیمان‌هایی که با دیگر انسان‌ها می‌بندد؛ چرا که خدا فرمان داده است که این پیمان‌ها نیز باید محترم شمرده شود.^۲

افزون بر شش صفت یاد شده که صفت بارز مؤمنان است، صفات دیگری نیز برای مؤمنین ذکر شده که در ذیل به فهرستی از آنها اشاره می‌گردد:

۷- امر به معروف و نهی از منکر؛

۸- پاکی از قتل؛

۹- احترام و حفظ حقوق دیگران؛

۱۰- یاری یکدیگر در برابر ستم؛

۱- مؤمنون / ۸

۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۸.



- ۱۱- خوش خو و مهربان بودن؛
 - ۱۲- چون سخن گوید راست گوید؛
 - ۱۳- مستمندان را اطعام کند؛
 - ۱۴- بر سر یتیم دست نوازش کشد؛
 - ۱۵- تشییع جنازه انجام دهد؛
 - ۱۶- مردم از شرش در امان باشند؛
 - ۱۷- به کسی که او را محروم کرده مال بخشد؛
 - ۱۸- از فحاشی و بد زبانی دوری کند؛
 - ۱۹- اهل کار خیر باشد؛
 - ۲۰- با لقب‌های زشت کسی را صدا نزند؛
- و...

نتیجه

نتایجی که از این پژوهش می‌توان برداشت نمود به این شرح است:

۱. ایمان، تنها یک لفظ نیست، بلکه آینه‌ی تمام‌نمای یک مسلمان پایبند به شریعت است. با نگاهی دقیق به آیات قرآن مجید و احادیث رسیده از ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌توان دریافت، تنها اظهار مسلمانی کردن کافی نیست، بلکه ایمان باید با تمام ابعادش در شخص مؤمن متبلور شود.

ابعاد ایمان از این قرار است:

الف) ایمان، هم به صورت فردی در شخص مؤمن نمایان است، مثل صبر و آرامش هنگام مواجه شدن با سختی‌ها و مصیبت‌ها، توکل به



هنگام تصمیم گرفتن به انجام کاری، تسلیم شدن به آن چه خداوند روزیش کرده است و ...

ب) هم چنین ایمان در بُعد اجتماعی و در ارتباط با افراد دیگر نیز در خور توجه است، مثل عفو و گذشت نسبت به کسی که به انسان ظلم کرده یا حقی را پایمال نموده است، حفظ آبروی مسلمانان، تواضع و فروتنی، پرهیز از دروغ، غیبت، تهمت، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق، احسان و ...

امید است با شناخت بیشتر این صفات، هر انسان مؤمنی در سایه‌ی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام خود را مزین به بهترین رفتارها و گفتارها و عمل‌ها نماید.

۲. به منظور حفظ ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی لازم است مفهوم صحیحی از دین، ایمان و انسان و چگونگی برخورد و عملکرد انسان‌ها در قالب‌های آموزشی و عملی به افراد جامعه ارائه شود.

برای تقویت ایمان افراد جامعه راهکارهای متعددی پیش روی ماست، از جمله:

الف) احیای ارزش‌های اسلامی گام مهمی است که باید برداشته شود؛ زیرا ارزش‌های دینی تکیه‌گاه امت اسلام است که می‌توان با تکیه بر آن بر دشمن و فرهنگ بیگانه فایق آمد.

ب) تبیین اصول و مفاهیم اندیشه‌ی اسلام ناب محمدی بر اساس متد فقاقت و متخذ از کتاب و سنت (قرآن و اهل بیت) و مبارزه با التقاطی‌گری، علم‌زدگی، تجددگرایی و عقل‌گرایی افراطی توسط اندیشمندان و علمای متعهد و برجسته‌ی حوزه و دانشگاه.





ج) آشنا کردن افراد جامعه با هدف آفرینش انسان‌ها که همان تکامل انسانی و رسیدن به قرب الهی است، به گونه‌ای که این آشنایی باعث فراهم آمدن آثار بسیار سودمندی در پهنه‌ی روح و روان آدمی شود، و تاکید بر این که معنویت با مراقبت و تلاش و با دقت در به‌کارگیری و بهره‌وری به اندازه از روح و جسم برای انسان حاصل می‌شود، و معنویت و روحانیت باید همپای مادیّت و جسمانیت رشد کند و یکی فدای دیگری نشود؛ زیرا اسلام دین کامل است که هر دو جنبه‌ی مادیّت و معنویت را مد نظر دارد و پیروان خود را به پرورش هر دو بُعد دعوت می‌کند.

به‌طور خلاصه، مکتب اسلام می‌تواند جامعه‌ای ایمانی و مستقل و آماده برای ظهور آخرین منجی عالم بشریت بسازد، و این‌ها همه در سایه‌ی ایمان قابل تحقق است.^۱

۱- فراهانی، محمد، نگاه روز ۲، صص ۸-۱۰.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، چاپ اول، چاپخانه‌ی مهارت، ۱۳۸۱ ش.
۳. تحریری، محمدباقر، جلوه‌های لاهوتی، ج ۱، چاپ اول، دارالمعارف، ۱۳۸۴ ش.
۴. حاجیانی دشتی، عباس، صفات و علامات متقین، ج ۱ و ج ۲، چاپ اول، انتشارات محلاتی.
۵. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، چاپ پنجم، انتشارات الهادی، ۱۳۸۴ ش.
۶. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، چاپ اول، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، انتشارات مرتضوی.
۸. شیخ الاسلامی، حسن، غررالحکم (گفتار امیرالمؤمنین)، ج ۱، چاپ سوم، چاپخانه‌ی صرر، ۱۳۷۷ ش.
۹. شریعتی، محمد امین، نهج الفصاحه، چاپ سوم، انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. صادقی اردستانی، احمد، زیبایی‌های بهشت، چاپ اول، مؤسسه‌ی انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپخانه‌ی مهر، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. فلسفی، محمدتقی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ج ۱، چاپ نهم، ۱۳۸۵ ش.





۱۲. فراهانی، محمد، نگاه روز (۲)، سازمان عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مرکز نشر و تولید نرم افزارهای فرهنگی.
۱۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، چاپ نهم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. قلی پور، مسلم، کوثر کلام (۲)، چاپ اول، مرکز فرهنگی و انتشاراتی ایتا، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. قمی، عباس، منتخب مفاتیح الجنان، چاپ پنجم، انتشارات الهدی، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۳، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۱۷. محمدی، حمید، مفردات قرآن، چاپ هفتم، مؤسسه ی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ج ۵۰، المکتب الاسلامیه.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، چاپ چهارم، مرکز تحقیقات دارالحديث، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، چاپ پنجاه و یکم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۳، چاپ سی ونهم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، چاپ سی و یکم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، چاپ بیست و هشتم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، چاپ بیست و نهم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، چاپ بیست و پنجم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، چاپ بیست و هفتم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۵، چاپ بیست و هشتم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. مطوف راشدی، سعید، ترجمه‌ی صحیفه کامله سجادیه، چاپ چهارم، صبح پیروزی، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. موسوی، علی اصغر، قطره‌ای از دریا (گذری و نظری بر حکمت‌های نهج البلاغه)، ج ۱ و ج ۱۲، چاپ دوم، انتشارات پیام نوین، ۱۳۸۵ ش.

